

میثیل هاوتس

جلد اول  
آزمایشگاه  
لوسی

لوسی عاشق علم است

تصویرگر: الیزابت زیکل

مترجم: بهزاد باپیروند



- ۹ دیگر سنجابی وجود ندارد
- ۱۵ کلاس ۲ - ج
- ۲۴ عادت‌های قدیمی، زیستگاه‌های جدید
- ۳۱ خاله داریان کتابدار
- ۴۲ آزمایشگاه
- ۴۶ لوبیاهای سبز و فک‌های بکر
- ۵۰ راضی کردن
- ۵۸ یک نمونه‌ی خوب
- ۶۴ خانم فلیپو حرف ندارد!
- ۶۹ حقیقت کیهانی
- ۷۴ به آزمایشگاه من خوش آمدید!
- ۷۸ خبرهای خوب، خبرهای بد
- ۸۴ مراسم درخت‌کاری
- ۹۴ کارهای پایانی

## دیگر سنجابی وجود ندارد

وقتی جلو دبستان گرانیت سیتی از اتوبوس شماره ۲۱ پیاده می شوم، اولین چیزی که نمی بینم درخت بلوط است. درخت بلوطی گنده با شاخه هایی گسترده که مثل بازوهای بزرگ، آماده ی بغل کردن دنیا بود؛ تنها درخت جلو دبستان گرانیت سیتی.

همین درخت بلوط بود که همیشه سنجاب ها از تنه اش بالاوپایین می رفتند و دنبال هم می افتادند. این را می دانم، چون کلاس اول که بودم هر روز این صحنه ها را می دیدم. درخت بلوط درست جلو همان اتاقی بود که من کلاس اول در آن درس می خواندم. فقط، حالا دیگر درخت آن جا نیست. درخت که نباشد یعنی تنه ای هم

نیست که سنجاب‌ها روی آن دنبال هم بکنند و بالاوپایین بروند. پس اولین راز کلاس دوم این است: «درخت بلوط کجا رفته؟» می‌خواهم با مدیر درباره‌اش صحبت کنم. اولین چیزی که وقت پیاده شدن از اتوبوس شماره‌ی ۲۱ دیدم، چیز نبود؛ شخص بود. آن هم بهترین دوستم یعنی دخترخاله کورا. او



دخترخاله‌ی من است، چون مادرش خاله داریان است و خاله داریان هم می‌شود خواهرِ مادرِ من.

داشتن دخترخاله‌ی هم‌سن‌وسال و هم‌کلاس خیلی کیف دارد. امروز اولین روز کلاس دومی ماست و امسال هم خوش‌شانس بوده‌ایم و با هم توی کلاس «۲ - ج» هستیم. مامان می‌گوید که توی مدرسه به جای «دخترخاله کورا» باید فقط بگوییم «کورا»، چون ممکن است نگذارند توی یک کلاس باشیم. من که بعید می‌دانم در این باره قانونی چیزی وجود داشته باشد، ولی شاید روال این مدرسه این‌جوری است.



اسم من لوسیندا ماری واتکینز است، ولی همه صدایم می‌کنند لوسی؛ برای همین خیال نمی‌کنم مهم باشد دخترخاله کورا (یا همان کورای خالی) چی صدایم کند. کورای خالی جلو در مدرسه منتظرم ایستاده. البته این کورا خیلی هم خالی یا خال‌خالی نیست؛ در واقع خیلی صورتی است. یعنی همیشه سرتاپا صورتی است؛ دامن صورتی، کوله‌پشتی صورتی، کفش‌های صورتی و از